

بررسی و تبیین مولفه‌ها و موانع افزایش مشارکت عمومی در حکومت از منظر متون دینی

سید علی هاشمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰

عبدالرضا برزگر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

امیر محمد صدیقان^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مولفه‌ها و موانع افزایش مشارکت در حکومت از منظر متون دینی انجام شده است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و از روش تحلیل محتوای کیفی نظام مقوله‌ی قیاسی به بررسی و استخراج بنیان‌های مشارکت و حکومت از منظر متون دینی استفاده شده است. حوزه‌ی پژوهش کلیه‌ی متون روایی، پژوهش‌های انجام شده و اسناد می‌باشد که از میان منابع موجود، قرآن، نهج‌البلاغه و غررالحکم به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جستجوی داده‌ها از دو روش لغت کاوی و معنا کاوی استفاده شد و همچنین جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از منابع الکترونیکی و از روش اسنادی و فیش‌برداری صورت پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس رویکرد توصیفی-تفسیری، که با استفاده از کدگذاری و مقوله‌بندی انجام گرفته است و در نهایت بر اساس این رویکرد، کدهای شناسایی شده در ۴ طبقه اصلی شامل: نسبت مشارکت در حکومت، نقش مشارکت در حکومت، مبانی افزایش مشارکت در حکومت، عوامل کاهش مشارکت در حکومت بر اساس دو مبنای مشارکت و حکومت استوار است طبقه بندی شدند که نسبت میان مشارکت در حکومت تأیید می‌نماید.

کلید واژه‌ها: مشارکت عمومی، اصول و مبانی مشارکت عمومی، اداره حکومت اسلامی، موانع مشارکت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

sayyedalihashemi@yahoo.co

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (Rezabarzegar@gimail.com)

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

«مشارکت» از مهم ترین مباحث بوده و پیوندی عمیق و ناگسستنی با بسیاری از مباحث دیگر علم، نظیر آزادی، آگاهی، رابطه مردم با حکومت، شکل حکومت، اتحاد، بیعت، رضایت عمومی، اعتماد، احترام اجتماعی، انتخابات و نظایر آن دارد. مهم ترین مانعی که در نگاه اول برای تحقق مشارکت در یک جامعه به ذهن می رسد، این است که استقرار و استمرار یک نظام سیاسی با این فرض که بخواهد در همه زمینه ها، نظرات و آراء، گاه متضاد و ناهمگون همه افراد جامعه را تأمین کند، امری غیرممکن است. از این رو، هر نظامی که بخواهد امکان تحقق و ارزش عملی داشته باشد، گریزی از نظام مند کردن و ساختار دادن به مشارکت عمومی نخواهد داشت. بدین منظور غالباً یک مکتب فکری از راه «آرای عمومی» مورد قبول مردم واقع می شود و آن «مکتب فکری مقبول» است، که راه کارهای مسائل مختلف را روشن و خطوط کلی زندگی اجتماعی انسان ها را ترسیم می کند. بررسی واقع بینانه تعالیم اسلام نشان می دهد اسلام مکتبی است که می تواند ساختاری مطمئن و کارا برای مشارکت مردم در سیاست پیشنهاد کند؛ ساختاری که هم از اتقان و استحکام مطلوب برخوردار باشد و هم از انعطاف مناسب برای جذب آرا و نظرات آحاد جامعه؛ و بتواند ابعاد مختلف زندگی انسان ها را مشخص کرده و به مشارکت مردمی، سمت جهت منطقی دهد (طوسی، ۱۳۸۰: ۶)

مشارکت از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و در سراسر روزگار راه فراگشت را پیموده است. از دویست سال پیش مشارکت در نظام سیاسی کشورهای باختری راه یافت و آرام آرام تحول و دگرگونی کارساز را پیمود. مشارکت در نظام سیاسی با آن که به گونه فراگیری تکاملی، پدید نیامدولی با گذر زمان در رویارویی با انبوهی از دشواری ها چنان رشد و بالندگی یافت که سرانجام که مردمان، حق را یافتند تا در تعیین سرنوشت خویش مختار باشند و در طراحی آینده خود مشارکت جویند با این همسایر کارهای ضروری برای معنی دار کردن مشارکت سیاسی مردم هنوز چنانچه باید پدید نیامده و تا رسیدن مرحله که همه مردم در تعیین سرنوشت خود دخالتی آگاهانه و واقعی پیدا کنند، فاصله ای بسیار است بی گمان می توان چنین پنداشت که با همین سازو کار نظام مردم سالاری - که از میراث های گرانبها یونان کهن است - انسان در برپایی و استقرار نظام سیاسی در دهه پایانی این سده چنان راهی را خواهد پیمود که در آینده ای نه چندان دور قالب های بهره مند از قدرت و اقتدار سیاسی خود به سود مردم محروم و وابسته به رده های پایین جامعه دگرگون شوند (بابائی، ۱۳۶۵).

وجود حکومت برای جوامع بشری یک امر ضروری است. از زمانی که انسان زندگی اجتماعی خود را آغاز نموده است، همواره به حیات خود زیر سایه حکومت و سرپرستی ادامه داده است. اگر چه شکل حکومت ها برای اداره زندگی جوامع انسانی در طول تاریخ متفاوت بوده است. و نظام های سیاسی مختلفی که ساخته فکر انسانها بوده اند برای تدبیر امور مردم پا به عرصه سیاست گذارده، و در نتیجه هر کدام به نوبه خود طرفدارانی را به حمایت و پیروی از خود جلب نموده اند اما همه آنها در یک اصل ضروری اتفاق نظر داشته اند و آن این که، جامعه بشری بدون داشتن مدیر و سرپرست به هرج و مرج می گراید. و امکان زندگی سعادت‌مندانه و مرفه از آنها سلب می شود. هر چند در این میان آنارشیسم به صورت یک مکتب خود نمایی کرده است لکن برای همیشه از افکار عمومی و انظار صاحب نظران علوم سیاسی، کنار، گذاشته شده است (نوروزی، ۱۳۷۵).

حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش در نظام سیاسی مردم سالار با مشارکت آنان در همه ی شئون حیات جمعی ، ملازمه دارد. در عصر حاضر اراده ملت ها براین تعلق گرفته است که نظام سیاسی مبتنی بر مبانی اومانیسم ، مقبولیت حکومت با مشارکت سیاسی تحقق پیدا می کند. اما در نظام های سیاسی الهی ، مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی با مشارکت سیاسی عمومی محقق می شود . شرکت و دخالت هر شروند در اتخاذتصمیمات سیاسی از مهمترین اصول دموکراسی محسوب می شود که این مشارکت یا ممکن است به صورت مستقیم صورت گیرد یعنی آنکه تمام شهروندان در کلیه تصمیمات دخالت داشته باشند و یا به صورت غیر مستقیم یعنی آنکه تمامی شهروندان نمایندگانی را برای تصمیم گیری برگزینند ولی در هر صورت ، هیچ کس نباید از مشارکت سیاسی محروم شود (کواکبیان ، ۱۳۷۰). در جامعه اسلامی که همه مردم یا حداقل اکثریت آنان ، بصورت آگاهانه و آزادانه مکتب اسلام را به عنوان آئین زندگی فردی و اجتماعی خویش برگزیده اند ، از سوی مردم عالی ترین مشارکت تحقق پذیرفته است . در اینجا صرفاً اعتقادات قلبی و باورهای باطنی مطرح است و نه چیز دیگر ، و از سوی دیگر پذیرش مکتب اسلام از سوی مردم یک جامعه ، در حقیقت بیانگر یک نوع قرارداد اجتماعی است و مفهومی این است که مردم آن جامعه می خواهند که اداره جامعه در کلیه شئون بر اساس اسلام باشد و همه نهادهای اجتماعی بر مبنای تعالیم اسلام بوجود آید و خواست مکتب مقدم برخواست آنان باشد و جامعه در کلیه تصمیم گیریها ملتزم به ضوابط مکتب باشد . همانگونه که حاکم اسلامی با نصب از جانب خدا (نصب عام یا خاص) مشروعیت الهی و مکتبی پیدا می کند چون می خواهد بر مردم حکومت نماید در این زمان نیاز به مقبولیت مردمی دارد . در این مقبولیت مردمی بوسیله مشارکت مردم جهت قبول رهبری حاکم اسلامی باعث تحقق عینی حکومت خواهد شد. خواه این مشارکت از طریق بیعت باشد و یا هر طریق دیگری که حضور مردم را در بر داشته باشد .

۲. مبانی نظری پژوهش:

الف. ارائه ی توصیفی کوتاه از مبانی حاکمیت:

۱- آزادی سیاسی :

حسین معین آبادی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "حکومت اسلامی و آزادی سیاسی در اسلام از منظر علامه محمد تقی جعفری" پرداخته است . که شناسایی نقاط اختلاف میان دولت اسلامی و سکولار از اهداف پژوهش بوده است . با استناد به نگرش مفسرین اسلامی به تبیین و تحلیل نقطه نظرات و اندیشه های علامه محمد تقی جعفری پرداخت لذا نتایجی که به دست آورد مبین آن است که الگویی که از آزادی سیاسی و حکومت اسلامی ارایه می شود منحصر به فرد و متفاوت از الگوی سکولار غرب است. حکومت اسلامی حقوق شهروندان را ارج می نهد و مردم را به مشارکت سیاسی ترغیب می کند. هیچ نوع اکراه و اجباری پذیرفته نیست. آزادی بیان مشروط به مشوش نکردن جامعه است. هر اظهار عقیده و نشر آن پسندیده نیست و باید به وسیله نخبگان و صاحب نظران مورد تایید قرار گیرد، زیرا به علت فقدان آگاهی برخی از افراد جامعه مشکلاتی به وجود می آید و باعث تزلزل در مبانی اعتقادی و فکری مردم می گردد.

(خلوصی ۱۳۹۱) تبعیت از حاکم و مشارکت در امر سیاسی نیز به عنوان یک تکلیف دینی نگریسته می‌شود. ساختار نظام سیاسی اسلام به گونه ای مشارکت جویانه سازماندهی می‌گردد و نهادهای چون؛ بیعت، مشورت، و جهاد برای سازماندهی امر سیاسی در نظر گرفته شده است. درحوزه رفتار شهروندان جامعه اسلامی ضمن داشتن بصیرت لازم با حاکم مشروع بیعت نموده و از او اطاعت می‌نمایند. در این جامعه مردم و دولت می‌کوشند تا حکومت صالح را با خیر خواهی و اتحاد محافظت نمایند.

۳- حق محوری:

یکی از ویژگی های رهبران عادل، حق محوری و حق گرایی آن هاست. به عقیده حضرت علی (ع) رهبران جامعه باید سخن حق را از هر که بود بپذیرند، و حق را در رفتار با همه افراد حتی دوستان، خویشاوندان و اطرافیان معیار و ملاک قرار دهند. امام خطاب به حاکم مصر می‌فرماید:

«حق را از آن هر که بود، بر عهده دار، نزدیک یا دور در این باره شکبیا باش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، هر چند این رفتار با خویشاوندان و اطرافیانت باشد و عاقبت آن را با همه دشواری که دارد، چشم دار که پایان آن پسندیده است و سرانجامش فرخنده» (نامه ۵۳)

۴- مشروعیت:

مشروعیت از قانونیت متفاوت است از این حیث که قانون لزوماً تضمین کننده احترام به حکومت یا تصدیق وظیفه فرمانبرداری از جانب شهروندان نیست. با وجود این، اصطلاح مشروعیت به طور متفاوتی در فلسفه سیاسی و علم سیاست به کار می‌رود. معمولاً فلاسفه سیاسی مشروعیت را به عنوان یک اصل اخلاقی یا عقلانی تلقی می‌کنند که براساس آن حکومتها می‌توانند از شهروندان خواستار اطاعت و فرمانبرداری باشند. بنابراین ادعای مشروعیت از فرمانبرداری عملی مهم‌تر است. از سوی دیگر جامعه‌شناسان سیاسی به مشروعیت از زاویه جامعه‌شناختی نگریسته و آن را تمایل به تبعیت از نظامی هنجاری، صرف نظر از نحوه تحقق آن تعبیر می‌کنند. این دیدگاه به پیروی از ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) مشروعیت را به معنای باور به مشروعیت به کار می‌برد؛ به عبارتی، باور به حق حکمرانی» (هیوود ۱۳۸۷: ۴۴).

۵- احترام به حقوق اقلیت‌ها:

برای آنکه اقلیت بتوانند در رقابت‌های سیاسی شرکت کنند، احزاب سیاسی مخالف بایستی از حقوق و امکانات لازم برای رقابت همچون تشکل، استفاده از رسانه‌های همگانی، انتقاد و داوطلبی در انتخابات به نحو عادلانه برخوردار باشند. در این صورت، با توجه به اینکه مردم آزادانه در جریان مواضع گوناگون سیاسی قرار می‌گیرند. برای آنان امکان بررسی و ارزیابی گرایش‌ها فراهم می‌شود. با این وصف، نهایتاً این مردم هستند که از طریق اکثریت آراء خود در یک انتخابات عمومی سالم، گرایش سیاسی و برنامه مورد نظر خود را مشخص می‌نمایند. در این روند، چه بسا ممکن است که احزاب رقیب بر حزب حاکم فائق آیند و به ترتیبی پسندیده بر روی انحصار قدرت که جلوه استبداد و مغایر جامعه مدنی است، خط بطلان بکشند» (هاشمی ۱۳۹۰: ۲۱۷ و ۲۱۸).

اصل مسئولیت، بیانگر این حقیقت است که بایستی مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد و او را آنچنان گرداند که به جای پیروی از فشارهای بیرونی، از رهیافت های درونی خود تبعیت کند. این پیروی از رهیافت های درونی را احساس مسئولیت یا احساس تکلیف می نامیم که حس مسئولیت انسان را تحریک می کند و در نتیجه به جای آنکه او از فشارهای بیرونی پیروی کند از رهیافت های دورنی تبعیت می کند (افخمی اردکانی، ۱۳۸۶).

۷- تعامل اجتماعی:

با توجه به هویت جمعی آدمی، فرد، نه موجودیتی ذره ای و کاملاً مستقل از روابط اجتماعی دارد و نه مستحیل در جمع است، بلکه می تواند چون موجودی مستقل، اما در بستر روابط اجتماعی، با دیگران در داد و ستد قرار گیرد. فرد بر حسب نوع روابط مذکور هویتی متناسب با آن خواهد یافت. اصل تعامل موثر اجتماعی، چون قاعده ای تجویزی، حاکی از آن است که فعالیت های تربیتی را باید چنان سامان داد که فرد بتواند به کسب هویت جمعی مناسبی نایل شود. البته ذکر این نکته نیز لازم است که صرف حضور فرد در جمع به معنای وقوع تعامل نیست، زیرا گاه افراد به صورت منفعل در جمع مستغرق اند (باقری، ۱۳۸۰).

چنانچه امام علی (ع) در نامه خود به حارث همدانی فرموده است «در شهرهای بزرگ سکونت کن که جایگاه فراهم آمدن مسلمانان است و بپرهیز از جاهایی که در آن از یاد خدا غافلند (نهج البلاغه، نامه ۶۹) و در جای دیگر می فرمایند: «بیشترین صلاح و درستی در همنشینی با خردمندان و عاقلان است» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۴۲۴)

۱-۲- پیشینه پژوهش:

داخلی:

آخرت دوست (۱۳۸۲) مقاله ای با عنوان "مبانی مشارکت مردم در حکومت در سیره امام علی (ع)" نوشته است. نویسنده در این مقاله زمینه های مشارکت مردم در حکومت و تأثیر گذاری آنان بر سیاست و حکومت را با توجه به دیدگاه های امام علی (ع) در پنج حوزه ممکن می دانند. نویسنده قبل از ورود به بحث تذکر می دهد که بعضی از این موارد مانند تعیین رهبران و حاکمان، نظارت، تذکر و بیان حقایق تلخ، بازخواست و استیضاح، مخالفت با نخبگان و نظام سیاسی در مورد امام علی (ع) و سایر ائمه، به دلیل نصب خاص، موضوعیت ندارد و بحث صرفاً بیانگر اندیشه سیاسی امام علی (ع) است و شاید هدف امام ارائه الگوی مناسب برای آیندگان بوده است.

سیدباقری در کتاب اصول تربیت اجتماعی (۱۳۹۷) مشارکت در کسب قدرت که همراه با مشارکت مثبت برای تشکیل دولت اسلامی و مشارکت منفی برای رویارویی با نظام ستم است؛ مشارکت سیاسی در تثبیت قدرت که با حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت، حق انتخابگری و حق انتخاب شدن همراه است؛ مشارکت سیاسی در نظارت بر قدرت که در بستر آزادی رخ می‌دهد و با امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی می‌شود. نوآوری نوشته از آن جهت است که تلاش شده است نقش حق مشارکت در آزادی سیاسی در مراحل مختلف از منظر کلام الهی بررسی شود.

(بشیریه، ۱۳۸۵) نظام های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار می گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب های مختلفی شکل می گیرد از که جمله آن می توان به شرکت مردم در انتخابات و همه پرسی ها، حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور میزان دلبستگی آنها به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن اشاره نمود. حکومتی که توان اعمال زور را از دست بدهد و دستگاه های سرکوب شوند آن تضعیف شوند، حکومتی که توان زور را از دست بدهد و دستگاه های سرکوب آن تضعیف شوند، حکومتی ناپایدار خواهد بود. گر چه اعمال زور مهمترین ابزار نظام سیاسی است لیکن حکومت ها نیازمند جلب حمایت و رضایت مردم نیز هستند تا قدرت خویش را مشروع جلوه دهند. وقتی اطاعت و تابعیت مردم از حکومتی مبتنی بر دلایل و اصول کلی اخلاقی اشد قدرت و اجبار دولتی با سهولت بیشتری پذیرفته می شود. ترغیب مردم به پذیرش قدرت در قالب عقاید، افسانه های وایدئولوژی ها یکی از مبانی و چهره های دیرین نهاد دولت به شمار می رود.

(خوش فر ۱۳۸۷) مشارکت سیاسی انتخاباتی که با اعتماد کل، اعتمادتعمیم یافته، اعتماد در روابط شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد سیاسی رابطه معناداری دارد. در حالی که هیچ یک از مؤلفه اعتماد (بجز اعتماد شخصی) و شاخص اعتماد کل با شاخص اعتماد کل با شاخص مشارکت سیاسی رابطه معناداری ندارد. مشارکت سیاسی غیرانتخاباتی نیز فقط با اعتماد در روابط شخصی، اعتماد نهادی کل اعتماد نهادی سیاسی رابطه معناداری دارند. در حالی که با شاخص اعتماد(کل)، اعتمادتعمیم، و قابلیت اعتماد به عموم رابطه معناداری ندارد. لازم به ذکر است که این رابطه با اعتماد سیاسی مثبت است، در حالیکه با اعتماد نهادی کل، رابطه منفی است. همچنین اعتماد شخصی به معنی اعتماد به نزدیکان مانند خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران نیز موجب افزایش مشارکت سیاسی می شود.

(دلشادتهرانی، ۱۳۷۹) هر یک از افراد جامعه اعم از زن و مرد که علاقه مند یا متأثر از تصمیمات هستند می بایست فرصت داشته باشند که در فرایند اتخاذ تصمیم مشارکت کنند. این مسئله می تواند به روش های مختلفی نظیر کسب اطلاعات از آن ها، نظرسنجی، ایجاد فرصت برای ارائه نظرات و دیدگاه ها برخوردار از تصمیم گیرندگان یا نمایندگانی در فرایند تصمیم گیری و در برخی موارد مشارکت برابر در فرایند تصمیم گیری ممکن شود. در برنامه توسعه ملل متحد با توسعه پایدار «آمده است»: «چنین حق گسترده ای برای شهروندان از طریق آزادی بیان و برگزاری انجمن ها و تجمعات و به همان نحو مشارکت سازنده مبتنی است»

یزدان پناه (۱۳۸۶) وجود موانع فردی و ساختاری پیش روی افراد را مانع بروز کنش های مشارکت جویانه داوطلبانه و هدفمند می داند. وی معتقد است هر چقدر میزان بی قدرتی و بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی یعنی مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و هدفمند افراد در جامعه کمتر و وجود موانع مخصوصا از نوع خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی بسیار موثر می گردد.

۲-۲ خارجی:

(راش، ۱۳۸۱) ازدیدگاه میلبرات و گوئل چهار عامل بر مشارکت تأثیر می گذارند که عبارتند از: انگیزه های سیاسی، موقعیت، ویژگی های سیاسی و محیط سیاسی. به نظر آنها هر چه انگیزه فرد بیشتر معرض انگیزه های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می پردازند. یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط، قرار داشته باشد احتمال مشارکت سیاسی وی بیشتر است. اما مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی های شخصی فرد نیز تغییر می یابد. شخصیت اجتماعی تر، مسلط تر و پرونگرتر احتمالاً از نظر سیاسی فعالترند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می شود در مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل یا شکل های مشارکت را که مناسب تلقی می گردد تشویق کند یا به عکس، مشوق مشارکت نباشد.

دیفرائوسیسکو و گیتلمن (۱۹۸۴) به رابطه بین مشارکت و اعتماد به شهروندان و نظام پرداخته، بیان کردند که هنگامی که فرد احساس کند که کارکردهای نظام منافع او را تأمین نمی کنند، به افراد مجری نزدیک میشود نه به سیاستگزاران و براین اساس به سازوکارهای سازشکارانه بهای بیشتری داده میشود و مانعی بر سر راه ایجاد فرهنگ سیاسی - اجتماعی متکی بر روابط جمعی خواهد شد. انکلس در تحقیقات خود درباره ویژگی های اجتماعی و روانشناختی شهروندان مشارکت جو دریافت که افرادی که از آگاهی سیاسی بالاتری برخوردار هستند، مشارکت بیشتری در فعالیت های مذهبی و سیاسی دارند.

(اوکلی، ۱۳۷۰) نیل و سیمن معتقد بودند بی قدرتی در شرایطی پدید می آید که فرد امید یا انتظار کنترل وقایع رانداشته باشد. اولسن بیگانگی سیاسی را به دو بخش ناتوانی سیاسی و ناخشنودی تقسیم مینماید. منظور از ناتوانی حالتی است که به اجبار از سوی نظام اجتماعی بر فرد تحمیل می شود و شامل نگرش هایی مثل سردرگمی، بی قدرتی و بی هنجاری است. ناخرسندی زمانی پیش می آید که فرد به صورت اختیاری بیگانگی را انتخاب می نماید.

(پای، ۱۳۸۰) لوسین پای معتقد است، مشکل با استقرار دموکراسی، تحزب سیاسی و زمینه سازی برای فعالیت احزاب و گروهها در زندگی سیاسی و مشارکت آنها در تصمیم گیری امور مختلف مربوط به منافع عامه، حل می شود.

(باتلر، ۱۳۸۷) حفظ قدرت دولت در چارچوب محدودیت اصول قضایی مهم تر از صرفا اصول مشروطیت است. از دید وی حاکمیت قانون ایجاب می کند که قدرت قهریه ی دولت خارج از قوانین کلی قابل استفاده نباشد؛ ایجاب می کند که قوانین معلوم و متقن باشند؛ که با مردم به گونه ی برابر رفتار شود، به این معنا که قانون نباید از مردمان با نفوذ یا توانگر طرفداری کند؛ و نیز قضاوت باید مستقل و به دور از خواسته های سیاسی عمل کنند؛ و ایجاب می کند که حیطة ی خصوصی فعالیت و مالکیت مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین، چنین به نظر می رسد که آزادی فردی زاییده و مخلوق حاکمیت قانون است و همچنین آن را خارج از جامعه مدنی تصور نمی کند.

(مکفرسون، ۱۳۸۱) مفهوم دموکراسی به مفهوم یکه تاز و بی بدیل فلسفه سیاسی تبدیل شد. هر کجا که نام سیاست در میان بود، دموکراسی همچون نگینی طلسم کننده می درخشید. اما در این بین چیزی که هنوز دگرگون نشده بود قرائت های متفاوت از آن و سردرگمی مفهوم کامل شده ی آن بود. بررسی و ریشه یابی علل این دگرگونی خود امری بسیار مهم و درس آموز است، اما این مهم قابل ارزیابی و ارائه در ساختار این پژوهش نمی باشد و از حوصله ی آن نیز خارج است. از این رو، خود پژوهی و فرصتی دیگر می طلبد.

۳. روش پژوهش:

در این تحقیق از رویکرد تحلیل محتوی کیفی، نظام مقوله ی قیاسی استفاده شده است. روش تحلیل محتوی کیفی روشی برای تحلیل داده های متنی است و در مورد محصولات رسانه ای تا داده های مصاحبه ای کاربرد دارد. در تحلیل محتوی کیفی، متن به شیوه ای قاعده مند و گام به گام به واحدهای تحلیلی تقسیم می شود و با به دنبال کردن سؤال اصلی یا همان مسئله پژوهش، مقوله ها را بر اساس جنبه های نظری ویژه، تکوین می یابند و از طریق حلقه های بازخورد و بازنگری های لازم، تطابق مقوله ها در رابطه با نظریه و شیوه های تحلیل، تضمین می شود (حریری، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

دو نوع رویکرد برای انجام تحقیق وجود دارد:

رویکرد قیاسی: نتیجه گیری از کل به جزء صورت می گیرد.

رویکرد استقرایی: نتیجه گیری از جزء به کل صورت می گیرد.

مرحله اول: تنظیم سوالات پژوهش:

این پژوهش علمی، از پنج مرحله ی اصلی تشکیل شده است:

الف) ارائه ی توصیفی کوتاه از مبانی مشارکت:

ب) بررسی نقش مشارکت و واکاوی جایگاه آن از دیدگاه متون دینی.

ج) مروری اجمالی بر اصول مشارکت..

د) استخراج بنیان های مبنای حکومت از نظرگاه متون دینی

ه) تبیین و ترسیم نسبت میان نقش مشارکت در حکومت از نظرگاه متون دینی به صورت مدون و منظم و ارائه ی مدل مفهومی.

مرحله دوم: بررسی نظام مند متون

متون تحقیق از رویکرد لغت کاوی و معنا کاوی آیات حکیم و حکمت ها، اکتشاف، استخراج، استنباط، استنتاج توسط محقق گردآوری شده است .

مرحله سوم: جست و جو و انتخاب مقاله ها و متون مناسب:

با استفاده از ادبیات نظری و پیشینه داخلی و خارجی، مقالات و پایان نامه های، شبکه های مجازی دانشگاه ها، تحقیق کتابخانه ای پایایی و روایی متون دینی، قرآن حکیم، نهج البلاغه شریف، که محقق در این تحقیق مد نظر قرار داده شده است .

مرحله چهارم: تجزیه و تحلیل و تلفیق مطالعه های کیفی:

در مطالعات کیفی از روش راهبرد -گراندد تئوری، نظریه برگرفته از داده هایی است که در طی فرایند پژوهش به صورت نظام مند گردآوری و تحلیل شده اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده ها و نظریه ای که در نهایت از داده ها استنتاج می شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند.

محقق بر اساس موضوع و مولفه ها و متغیر هاز دو روش ۱- کد گذاری محوری ۲- کد گذاری انتخابی استفاده می کند .

مرحله پنجم: کنترل و ارزیابی کیفیت:

اکثر روش شناسان کیفی به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی از معیار «اعتماد پذیری یا قابلیت اعتماد» جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می کنند. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می توان به یافته های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن ها اعتماد کرد.

لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) اعتماد پذیری، باورپذیری، اطمینان پذیری، انتقال پذیری و تصدیق پذیری را معیارهای تحقیق کیفی معرفی می کنند. اولین معیار، مهم ترین نشان محسوب می شود. (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۲۰).

در جواب سوال اصلی پژوهش به تبیین و ترسیم بررسی تأثیر مولفه های افزایش و کاهش مشارکت در حکومت از منظر متون دینی به صورت مدون و منظم و ارائه ی مدل مفهومی پرداخته شده است

در بحث ضرورت مشارکت در حکومت در اسلام به معنای اینکه آیا از نظر اسلام هر جامعه ای حتما باید حکومتی وجود داشته باشد یا خیر پیش از هر چیز باید گفت لزوم حکومت امری فطری است که همگان بر آن باور دارند و در شریعت اسلام که تعالیم آن منطبق بر فطرت انسان و بنابراین متناسب با نیازهای متنوع اوست، نیاز اساسی بشر به حکومت تأیید و بر ضرورت حکومت در جامعه اسلامی تأکید شده است نظام سیاسی مجموعه ای از نهادها و گروه های اجتماعی و روابط میان آنهاست که به منظور وصول به هدف و غایتی با راهکارها و راهبردهای خاصی شکل گرفته اند و سیاست متکفل سوق دادن جامعه به آن هدف و غایت است.

ب) بررسی مولفه ها و مبانی کاهش و افزایش مشارکت و واکاوی جایگاه آن از دیدگاه متون دینی.

پیشرفت سیاسی فرایندی است که طی آن جامعه و نهادهای اجتماعی به منظور رسیدن به کمال می کوشند، ارزش های اسلامی را در جامعه عینیت می بخشند و به طور عینی تر پیشرفت سیاسی رفتار یک فرد یا یک ارگان و یا کل جامعه است، با استفاده از بهترین ابزار و توأم با برنامه کامل تا هر چه زودتر هدف نظام سیاسی تأمین گردد (مصباح، ۱۳۸۸: ۱۸۲ - ۱۸۱)

۱- استفاده ابزاری از قدرت:

در اسلام قدرت ابزار است و خود هدف نیست چنان که هدف نیز صرفاً مادی نیست. امام علی (ع) با اشاره به کفش کهنه اش نسبت به حکومت می فرماید: «والله لاهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقاً او» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). آن حضرت پس از رد هدیه که برایش آورده بودند فرمود «به خدا، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانها است به من دهند، تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بربایم، چنین نخواهم کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴). امام در جای دیگر، به صراحت بر قدرت دوستی و قدرطلبی خط بطلان کشید و هدف از بدست گرفتن قدرت را اصلاح جامعه و اجرای حدود اسلامی و... معرفی می کنند: خدایا تومی دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود، و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می خواستیم نشانه دین های را به جایی که بود بنشانیم، و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم. تا... بندگان ستم دیده ات ایمنی فراهم آید، و ضایع حدود مانده ات را اجرا گردد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

۲- بی اعتمادی:

(مصلی نژاد، ۱۳۸۸) احساس ناامنی موجب می شود که فرد تصور کند که دیگران همواره در صدد توطئه علیه وی هستند این امر سبب بی اعتمادی شده، حکومت را به یک مسابقه توطئه تبدیل می کند. یکی از دلایل بی اعتمادی فقدان یا

ضعف قانون بوده است. معمولاً اراده فردی به جای قانون حکم میکرد و قانون تا حد زیادی وابسته به اراده فردی بود. حتی یک شحنه یا یک داروغه نیز مبنای تصمیم گیریش، رأی شخصی خویش بود تا تعهد به قانون. بنابراین در شرایطی که قانون سهمی در تنظیم روابط میان افراد نداشت، اعتماد عمومی سلب می شد و هراس و بی اعتمادی بر فضای عمومی و اجتماعی کشور سایه می افکند.

۳- خودکامگی:

مشورت و مشارکت عاملی برای رفع یا پیشگیری از خودکامگی مدیران در سطوح گوناگون جامعه است، اگر زمینه تبادل نظر و مشارکت در سازمانی وجود نداشته باشد، خودکامگی و استبداد حاکم می شود و استبداد و خودکامگی باعث هلاکت شخص می شود و جلوی پیشرفت و تکامل را می گیرد. «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» هر که خودکامگی پیشه کند به هلاکت رسد (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱) .

۴- دوری از حرص و طمع:

افراد حریص انسان را برای جمع آوری ثروت و کسب مقام و ظلم و ستم ترغیب می کند «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يُزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْحُجُورِ؛ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى، يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) با افراد بخیل مشورت نکن زیرا تو را از بخشش و کمک به دیگران باز می دارند و از فقر می ترسانند و همچنین با افراد ترسو مشورت مکن زیرا آنها تو را از انجام کارهای مهم باز می دارند و نیز با افراد حریص مشورت مکن که آنها برای جمع آوری ثروت و یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو جلوه می دهند، به خاطر اینست که بخل و ترس و حرص از غرایز و تمایلات مختلفی هستند که از بدگمانی به خدا سرچشمه می گیرند.

۵- دوری از خشونت:

یکی از شاخص هایی که رشد پایدار اقتصادی را امکان می کند، ثبات سیاسی و عدم خشونت، یعنی محیط پایدار و امن است، به عبارت دیگر، ثبات سیاسی، از جمله ملهومات رشد با ثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق پیدا می کند که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد. منظور از آن شاخص این است که در کشور، تضادهای فرهنگی و قومی کاهش یابد و اعتراض های سیاسی و نا آرامی های اجتماعی به حداقل برسد و برخورد های اجتماعی از قبیل، اعتراض، اعتصاب، خشونت... کاهش یابد و تغییر در ترکیب قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز و منطبق بر قانون امکان پذیر باشد. بر اساس این شاخص هر قدر احتمال نبود سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری کسب می کند. (نادری قمی، ۱۳۹۰)

ه) استخراج بنیان های جایگاه حکومت از نظرگاه متون دینی

جدول ۱-۱: استخراج بنیان های جایگاه حکومت

مفهوم (کدگذاری محوری ۱)	داده ها (ترجمه)	سند	داده ها (متن عربی)	گویند ه	شناسه
مدیریت	اکنون (پس از جنگ بدر) خدا بر شما تخفیف داد.	سوره انفال ۶۶/	الآنَ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ	قرآن کریم	pa ۱
گرایش	و موسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده‌گاه ما انتخاب کرد.	سوره اعراف/ ۱۵۵	وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا	قرآن کریم	pa ۲
درستکاری مدیر	و چون داد و ستد کنید، پیمانانه را کامل دهید و با ترازوی درست وزن کنید، که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است.	سوره اسراء، آیه ۳۵	وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كَلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ احْسَنُ تَاْوِيلاً	قرآن کریم	pa ۳
مدیریت بحران، برنامه‌ریزی استراتژیک	یوسف گفت: هفت سال پی در پی کشت کنید و آنچه را درو کردید، جز اندکی را که می‌خورید، در خوشه‌اش کنار بگذارید.	سوره یوسف آیه ۴۷	قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ اِلَّا قَلِيلاً مِمَّا تَأْكُلُونَ	قرآن کریم	pa ۴
صمیمیت	ناپسندی را با نیکی دفع کن که ناگاه خواهی دید که همان کس که میان تو با او دشمنی است گویی دوستی گرم و صمیمی است.	سوره: ف صلت/ ۳۴	اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَانَتْهُ وَاَلِيٌّ حَمِيمٌ	قرآن کریم	pa ۵
روشن بینی	ای مردم، برای هدایت شما از جانب خدا برهانی (محکم) آمد، و نوری تابان به شما	سوره نساء/ ۱۷۴	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَا	قرآن کریم	pa ۶

	فرستادیم.		إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا		
Pa ۷	حضرت علی (ع)	لا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعُقُلِ... وَ لَا قَائِدَ كَالْتَوْفِيقِ، وَ لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ لَا [زَرْعَ] رِبْحَ كَالثَّوَابِ، وَ... وَ لَا عِلْمَ كَالْتَفَكُّرِ، وَ لَا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ، وَ لَا... وَ لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ، وَ لَا عِزَّ كَالْحِلْمِ، وَ لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ.	هیچ ثروتی از عقل ارزشمندتر نیست و... و هیچ عقلی چون اندیشیدن نیست، و... و هیچ پیشوایی مانند توفیق الهی نیست و هیچ تجارتی بهتر از عمل صالح نیست و... و هیچ علمی مانند تفکر نیست و هیچ شرفی مثل علم نیست، هیچ عزتی مثل بردباری نیست و هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست.	بهترین ثروت، عقل . بهترین تجارت ، عمل صالح ، بهترین عمل، تفکر بهترین پشتیبان ، مشورت	
Pa ۸	غررالحکمه، ص ۵۸۴	الْعَدْلُ فَضِيلَةٌ السُّلْطَانِ.	عدالت، فضیلت فرمانروا (قدرت) است.	فضیلت فرمانروا، عدالت	
Pa ۹	حضرت علی (ع)	مَنْ أَحْكَمَ التَّجَارِبِ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاطِبِ، مَنْ غَنَى عَنِ التَّجَارِبِ عَمِيَ عَنِ الْعَوَاقِبِ.	من با حکمت تجربه ها را می آموزد از تجربه ها هلاکتها جان سالم به در می برد و هر کس از تجربه بی نیازی جوید عواقب امور را	خداوند افراد متخصص را دوست دارد .	
pa ۱۰	حضرت علی (ع)	مَنْ أَحْكَمَ التَّجَارِبِ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاطِبِ، مَنْ غَنَى عَنِ التَّجَارِبِ عَمِيَ عَنِ الْعَوَاقِبِ.	هر کس بدرستی تجربه آموزد از هلاکتها جان سالم به در می برد و هر کس از تجربه بی نیازی جوید عواقب امور را	تجربه ، موجب بی نیازی	

	نمی بیند.				
۱۱ pa	حضر ت علی (ع)	الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ، كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ.	نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷	دعوت کننده بی عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.	عملگرایی
۱۲ pa	حضر ت علی (ع)	أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَأَفْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا؛ وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا	نهج البلاغه، نامه ۳۱	نفس خویش را عزیز بشمار و به هیچ پستی و دنائتی تن مده گرچه عمل پست، تو را به تمنیاتت برساند، زیرا هیچ چیز با شرافت نفس برابری نمی کند و (به جای عزت از دست داده) عوضی همانند آن نصیبت نخواهد شد، و بنده دیگران نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.	مدیریت کاریزماتیک (اع ماد به نفس داشتن)
۱۳ pa	حضر ت علی (ع)	مَنْ لَأَنْتَ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ	عیون الحکم ج ۱ ص ۴۲۹	هر کس سخن گفتنش نرم و روان باشد، دوست داشتنش نیز بایسته باشد.	مدیر کاریزماتیک (قد رت بیان)
۱۴ pa	حضر ت علی (ع)	فَلَا تَطْوُلَنَّ اِحْتِجَابَكَ عَنْ رِعْيَتِكَ، فَإِنَّ اِحْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنْ الضِّيْقِ وَ قَلَّةُ	نهج البلاغه، نامه ۵۳	خود را زیاد از مردم پنهان نکن که پنهان شدن والیان از رعیت شاخه و نمونه ای است از تنگ نظری و کم اطلاعی در کارها	مدیرکاریزماتی ک (حضور فعال درین مردم)

			عِلْمٌ بِالْأُمُورِ.		
مدیرکارزماتیه ک (آینده نگر)	چشم دل انسان خردمند، پایان کارش را می بیند و نشیب و فراز خویش را می شناسد.	نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳	وَ نَاطِرٌ قَلْبِ اللَّيْبِ، بِهِ يَبْصُرُ أَمَدَهُ وَ يَعْرِفُ غَوْرَهُ وَ نَجْدَهُ	حضر ت علی (ع)	pa۱۵
مدیرکارزماتیه ک (دارای بینش)	و اینک تو به صحنه درآی با آگاهی و با بینش خاص خود به سوی دشمن بتاز.	نهج البلاغه، نامه ۳۴	فَاصْحِرْ لِعَدُوِّكَ وَأَمْضِ عَلَيَّ بَصِيرَتِكَ	حضر ت علی (ع)	pa۱۶
عاقبت اندیشی ،موجب رستگاری	به تو سفارش می کنم که هر گاه خواستی کاری انجام دهی، به عاقبت آن بیندیشی، اگر رستگاری بود آن را انجام بده اگر گمراهی بود رهایش کن.	الکافی، ج ۸ ص ۱۵۰، ح ۱۳۰	فَأَيُّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاَمْضِهِ وَ إِنْ يَكُ غِيًّا فَآتِهِ عَنْهُ	حضر ت علی (ع)	۱۷ Pa
خوش اخلاقی ، موجب همدلی	اخلاق نیکو، روزی‌ها را فرود آورد و دوستان را با هم مأنوس و همدم سازد.	(آمدی، بی تا: ج ۳۴۰/۱)	حَسَنُ الْأَخْلَاقِ يَدْرُ الْأَرْزَاقِ وَ يُونِسُ الرِّفَاقِ.	حضر ت علی (ع)	۱۸ Pa
انتقاد پذیری	بهترین برادران پندپذیرترین آنها و بدترین برادران ناخالص‌ترین ایشان است.	(آمدی، بی تا: ج ۳۵۲ / ۱)	خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَنْصَحُهُمْ وَ شَرُّهُمْ أَعْشَاهُمْ.	حضر ت علی (ع)	۱۹ Pa
حق گرایی	کسی که حق را لگام (بازدارنده در برابر لغزش‌های) خود قرار	(آمدی، بی تا: ج ۱۹۹ / ۲)	مَنْ اتَّخَذَ الْحَقَّ لِجَامًا اتَّخَذَهُ النَّاسُ إِمَامًا.	حضر ت علی	۲۰ Pa

	دهد مردم او را پیشوای خویش قرار دهند.			(ع)	
تاقرّب به خدا موجب بزرگی	بلند مرتبه است (از جمیع ما سوا) زیرا قدرتش از همه برتر است. خداوند با عطا و احسانش به همه موجودات نزدیک است.	حضرت علی(ع): خطبه ۸۳	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ بِحَوْلِهِ وَدَنَّهُ بِطَوْلِهِ، مَانِحٌ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَفَضْلٍ وَكَاشَفَ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَ أَزَلَّ أَعْمَدَةَ عَلِيٍّ عَوَاطِفَ كَرَمِهِ وَسَوَابِغَ نِعَمِهِ،	حضرت علی(ع)	pa۲۱
توکل، مایه نجات	توکل بر خداوند، مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است.	حضرت علی: حکمت (۵۶)	التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ	حضرت علی(ع)	pa۲۲
عمل به حق، موجب پیشوایی انسان	کسی که حق را لگام (بازدارنده در برابر لغزش‌های) خود قرار دهد مردم او را پیشوای خویش قرار دهند.	حضرت علی: حکمت (۳۷۵)	مَنْ اتَّخَذَ الْحَقَّ لِحَامًا اتَّخَذَهُ النَّاسُ إِمَامًا.	حضرت علی(ع)	pa۲۳
سقوط بزرگی و کرامت به علت امید بدون عمل	هر که (فقط) به امید پناه ببرد از بزرگواری ساقط شود.	(کراچک) ی، ۱۴۱۰ ج : (۳۵۰/۱)	مَنْ لَجَأَ إِلَى الرَّجَاءِ سَقَطَتْ كَرَامَتُهُ.	حضرت علی(ع)	pa۲۴
خود میزانی	ای پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده	حضرت علی(ع): نامه: ۳۱	يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ	حضرت علی(ع)	pa۲۵

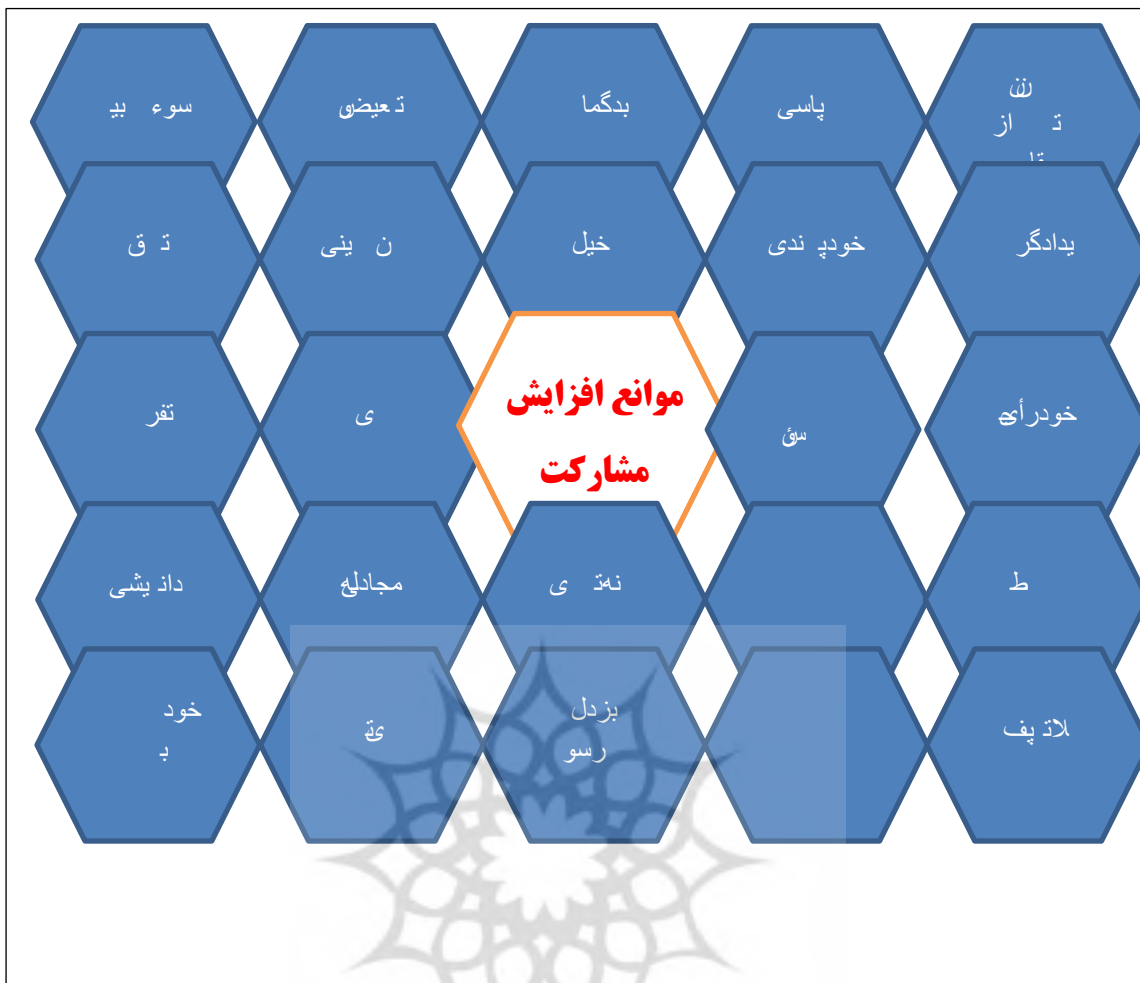
شناسه ه	گوینده	داده ها (متن عربی)	سند	داده ها (ترجمه)	مفهوم (کدگذاری محوری ۱)
ph ۱	قرآن کریم	مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنَّبُوَّةَ	سوره آل عمران/ ۷۹	هیچ بشری را نرسد که خدا وی را به رسالت برگزیند و به او کتاب و حکمت و نبوت بخشد	سوء استفاده از مقام
ph ۲	قرآن کریم	وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ..	سوره رعد ۲۵/د	و آنان که پس از پیمان بستن (با خدا و رسول) عهد خدا را می شکنند.	ناسپاسی
ph ۳	قرآن کریم	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ	سوره حجرات/ ۱۲	ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است	بدگمانی
ph ۴	قرآن کریم	فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ	سوره نساء/۱۲۹	پس به تمام میل خود یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید.	تبعیض
Ph ۵	حضرت علی (ع)	سوءُ التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ	غررالحک م،ص ۵۵۷۱	سوء تدبیر، موجب ویرانی و نابودی است.	سوء تدبیر
ph ۶	حضرت علی (ع)	اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَ احْذَرِ الْعَسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ.	نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶	عدالت را بگستران و ستمکاری پرهیز کن که ستم رعیت ها را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می انجامد.	بیدادگری

<p>۷ ph</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>إِنَّ مِنْ أَسْخَفِ حَالَاتِ الْوَلَاءِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبَّ الْفَخْرِ و يُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ</p>	<p>نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶</p>	<p>از سخیف ترین حالات زمامداران نزد مردان صالح، زمانی است که به آنها گمان برده شود که دوستدار تفاخرند و امورشان را بر کبر و خود پسندی قرار می دهند.</p>
<p>ph۸</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفُضْلِ، وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ</p>	<p>نهج البلاغه، نامه ۵۳</p>	<p>بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می دارد، و از تنگدستی می ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می کند.</p>
<p>۲۴ ph۹</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ، وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ.</p>	<p>نهج البلاغه، نامه ۵۳</p>	<p>در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می شود اما خیانتکار است.</p>
<p>۱۰ ph</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>أَحْمَدُ مَنْ يَغْلُظَ عَلَيْكَ وَ يَعْطُكَ، لَا مَنْ يُزَكِّيكَ وَ يَتَمَلَّقُكَ</p>	<p>شرح نهج البلاغه : ۱۲۵۸/۲۰ ۲۶</p>	<p>کسی را که بر تو سخت می گیرد و تو را موعظه می کند ستایش کن ، نه کسی که تو را بی عیب می شمرد و چاپلوسی تو را می کند .</p>
<p>۱۱ ph</p>	<p>حضرت علی (ع)</p>	<p>مَنْ أَحْكَمَ التَّجَارِبَ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاطِبِ ، مَنْ غَنَى عَنِ</p>	<p>غرر الحکم ۸۰۴۰، و ۸۶۸۰</p>	<p>هر کس بدرستی تجربه آموزد از هلاکتها جان سالم به در می برد و هر کس</p>

	از تجارب بی نیازی جوید عواقب امور را نمی بیند.		التَّجَارِبِ عَمِيَّ عَنِ الْعَوَاقِبِ .		
۱۲ ph	حضرت علی (ع)	لَنْ نُنْظُرْتَ بِعَقْلِكَ دُونَ هَوَاكَ لَتَجِدَنَّيَ أَبْرَأَ النَّاسِ مِنْ دَمِ عَثْمَانَ، وَ لَتَعْلَمَنَّ أَيُّ كُنْتُ فِي عَزْلِهِ عَنْهُ إِلَّا أَنْ تَتَجَنَّى، فَتَجَنَّ مَا بَدَأَكَ	نهج البلاغه: نام ۶۰	که اگر به دیده خرد بنگری، نه از روی هوا و هوس، در خواهی یافت که من از هر کس دیگر از کشتن عثمان بیزارتر بودم و من از آن کناری هسته بودم، مگر آنکه بخواهی جنایت را به گردن من نهی و چیزی را که بر تو آشکار است پنهان داری	هوا و هوس
۱۳ Ph	حضرت علی (ع)	الْخَلْقُ الْمَدْمُومُ مِنْ ثَمَارِ الْجَهْلِ.	(آمدی، بی تا: ج ۶۳/۱)	اخلاق ناپسند از نتایج جهل و نادانی است.	جهل
۱۴ Ph	حضرت علی (ع)	الزُّمُومُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ.	(حضرت علی: نامه‌ی ۱۲۷)	همواره با جمعیت‌ها (ی طرفدار حق) باشید که دست خداوند با جمعیت است، از پراکندگی و متفرق شدن دوری کنید که (انسان تنها) طعمه شیطان است چنان‌که گوسفند تک رو، طعمه گرگ است.	تفرقه
۱۵ Ph	حضرت علی (ع)	إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ.	(حضرت علی: نامه‌ی ۱۱۹)	به راستی که بسیاری تعداد شما با کمی اجتماع دل‌هایتان سودی نمی‌بخشد.	افراط

۱۶ ph	حضرت علی (ع)	مَنْ تَرَكَ الْحَسَدَ كَانَ لَهُ الْمَحَبَّةُ مِنَ النَّاسِ.	(ثعالبی، بی تا: ۳۳)	آنکه حسادت را ترک کرد، محبت مردم برای اوست.	حسادت
۱۷ ph	حضرت علی (ع)	لَا يَكُونُ الْكَرِيمُ حَقُودًا.	(آمدی، بی تا ج :۲ ۱۳۰/۳۴۸ (انسان کریم و جوانمرد کینه‌توز نیست.	کینه‌توزی
۱۸ ph	حضرت علی (ع)	الْخِلَافُ الرَّأْيُ.	حضرت علی (ع) حکمت ۲۱۵	مجادله کردن، تدبیر را ویران سازد.	مجادله
۱۹ ph	حضرت علی (ع)	أَفَةُ سُوءِ التَّدْبِيرِ.	(آمدی، بی تا ج :۱ ۵۱/۲۷۴)	آفت زندگانی، بداندیشی است.	بداندیشی
۲۰ ph	حضرت علی (ع)	الْبَعْضَةُ تُوجِبُ الْإِخْتِلَافَ وَ الْإِخْتِلَافُ يُوجِبُ الْفُرْقَةَ تُوجِبُ الضَّعْفَ، وَالضَّعْفُ يُوجِبُ الدَّوْلَ، وَالدَّلُّ يُوجِبُ زَوَالَ الدَّوْلَةِ وَذَهَابَ النِّعْمَةِ	(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ج :۲۰ (۳۴۵)	دشمنی، موجب اختلاف و اختلاف، مایه‌ی جدایی و جدایی سبب ضعف و ناتوانی و ناتوانی، باعث خواری گردد و خواری، دولت و تمکن را زایل و نعمت را از میان می‌برد.	دشمنی - موجب اختلاف - اختلاف مایه‌ی جدایی - جدایی سبب ناتوانی -
۲۱ ph	حضرت علی (ع)	وَ اعْلَمُ أَنْ الْإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ، وَ أَفَةُ الْأَلْبَابِ	(نهج البلاغه، نامه ۳۱)	بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی، و آفت عقل است،	خود بزرگ بینی

۲۲ ph	حضرت علی (ع)	الجاهلُ يُعَرَفُ بِسَتْ خِصَالٍ: الغضبُ من غيرِ شَيْءٍ، والكلامُ في غيرِ نَفْعٍ، والعطيَّةُ في غيرِ مَوْضِعِهَا، وَ الْأَ يَعْرِفُ صَدِيقَهُ مِنَ عَدُوِّهِ وَ إِفْشَاءُ السِّرِّ، وَالثَّقَّةُ بِكُلِّ أَحَدٍ.	ابن اُبی الحدید ۲۰: ۳۰۲	نادان به شش خصلت شناخته می‌گردد: خشم بی جهت، بیهوده سخن گفتن، بخشش ناجبا، نشناختن دوست از دشمن، افشای راز و اعتماد به هر کس.	افشای راز
۲۳ ph	حضرت علی (ع)	وَلَا حَبَانًا يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأُمُورِ.	نهج البلاغه: نامه ۵۳	با بزدل و ترسو مشورت نکن که تو را در کار ناتوان گرداند	بزدل و ترسو
۲۴ ph	حضرت علی (ع)	وَلَا حَرِيصًا يُزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ.	نهج البلاغه: نامه ۵۳	در مشورت با خود حریص را داخل مکن که او آزمندی و تجاوز را در نظر زیبا جلوه می‌کند.	حریص



شکل ۱-۱: شبکه معنایی تأثیر مولفه های موانع افزایش مشارکت در حکومت از نظرگاه متون دینی

جدول شماره ۱-۳: تبیین و بررسی مبانی موانع افزایش مشارکت در حکومت را از نظرگاه متون دینی:

موضوع	مولفه های مشترک
مبانی موانع افزایش مشارکت ۲۵ مولفه مشترک	سوء استفاده از مقام، ناسپاسی، بدگمانی، تبعیض، سوء تدبیر، بیدادگری، خودپسندی، بخیل، سخن چینی، تملق، خودرأی، هوا وهوس، جهل، تفرقه، افراط، حسادت، کینه توزی، مجادله، بداندیشی،

نتیجه گیری:

پس از بررسی و تحلیل سوال پژوهش حاضر، که به تبیین نسبت میان مشارکت عمومی در حکومت از نظرگاه متون دینی می پردازد، ابتدا بنیان های جایگاه حکومت سپس موانع کاهش مشارکت در حکومت استخراج گردید و سپس مولفه های مشترک مبانی جایگاه مشارکت و موانع کاهش مشارکت در حکومت، جست جو و تبیین شد و مقوله ای که نهایتاً پس از بررسی مولفه های مشترک و شبکه ی معنایی ارتباط موانع کاهش مشارکت در حکومت بدست آمد این گزاره واقع نگر بود:

« عوامل و موانع کاهش مشارکت، ارتباط معناداری با سطح مقبولیت و مشروعیت حکومت دارد»

این نتیجه با یافته های تحقیقات خوش فر (۱۳۸۷). (بشیریه، ۱۳۸۵). (دلشادتهرانی، ۱۳۷۹)، همخوانی دارد.

نظام های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار می گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب های مختلفی شکل می گیرد از جمله آن می توان:

(به شرکت مردم در انتخابات و همه پرسی ها، حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور میزان دلبستگی آنها به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن اشاره نمود).

حکومتی که توان اعمال قدرت را از دست بدهد و دستگاه های متولی آن تضعیف شوند، حکومتی ناپایدار خواهد بود. گر چه اعمال قانون مهمترین ابزار نظام سیاسی است لیکن حکومت ها نیازمند جلب حمایت و رضایت مردم هستند تا قدرت خویش را مشروع جلوه دهند. وقتی اطاعت و تابعیت مردم از حکومتی مبتنی بر دلایل و اصول کلی اخلاقی باشد قدرت و سیاستگزاری با سهولت بیشتری پذیرفته می شود.



منابع و مأخذ

الف) فارسی

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم
- اوکلی. مارسون (۰۰۳۳). رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه منصور محمد نژاد. تهران: وزارت جهادسازندگی
- آخرت دوست، و. (۱۳۸۴). "مبانی مشارکت مردم در سیره حکومت امام علی (ع)". پژوهش های مدیریت راهبردی
- آمدی، عبدالواحد، «غررالحکم و دررالحکم»، ترجمه محمد علی انصاری
- اووه فلیک، (۱۳۸۸) درامدی بر تحقیق کیفی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم
- بابائی، علی و آقای، بهمن فرهنگ علوم سیاسی، نشر ویس، تهران ۱۳۶۵

-باتلر، ایمون، اندیشه های سیاسی و اقتصادی هایک، ترجمه : فریدون تفضولی، تهران، نشر نی، چاپ اول، سال ۱۳۳۷، صص ۱۳۵-۱۳۶-

_ باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، تهران

_ باقری، خسرو، (۱۳۷۹)، اصول تربیت اجتماعی در اندیشه امام علی (ع)، پژوهش های تربیت اسلامی، زمستان ۱۳۷۹، شماره ۴، صص ۳۸۳-۴۲۲

-بش

- حسین معین ابادی، (۱۳۹۱) پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۸

-حسین بشیریه، (۱۳۸۵) مجلات تخصصی نور، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، بهار، شماره ۷۱

- خوش فرغلامرزا، ۱۳۸۷، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی : مطالعه موردی استان گلستان،

- خلوصی، محمد حسین (۱۳۹۱) شاخص مشارکت سیاسی، معرفت سیاسی، پاییز و زمستان، شماره ۲

_ دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، منظر مهر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران

_ دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، انتشارات دریا، چاپ پنجم

- راش مایکل، ۱۳۸۱، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران،

_ طوسی، محمد علی (۱۳۷۸) مشارکت مردم، مجله مدیریت دولتی

- کواکبیان، مصطفی، دموکراسی در نظام ولایت فقیه، سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۰)

-کاظم سید باقری، (۱۳۹۷) حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی، پژوهش های سیاست اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۴

-عباس مصلی نژاد، (۱۳۸۸) فرایند سیاست گذاری اقتصادی، فصلنامه ی سیاست، شماره ۳۴

- مکفرسون، سی.بی، جهان واقعی دموکراسی، برگردان : علی معنوی تهرانی، تهران، نشر آگاه، چاپ اول،

-محمد علی افخمی اردکانی، (۱۳۸۶) تبیین روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، پژوهش های نهج البلاغه، بهمن ماه، شماره ی ۲۱ و ۲۲

- نوروزی، محمد جواد، فلسفه سیاست، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نجلا حریری، (۱۳۸۵) اصول و روش های پژوهش کیفی، نشر دانشگاه آزاد اسلامی تهران
- نادری قمی (۱۳۹۰) تاثیر تلف عین مرهونه بر حقوق مرتهن، مطالعات فقهی و فلسفی، دی ماه، شماره ی ۲۰
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰) حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی ویرایش دوم
- اندروھیوود، (۱۳۸۷) مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه ی حسن سعیدی و عباس کاروان، نشر علمی و فرهنگی تهران،
- یزدان پناه. لیلا (۱۳۸۶) موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. مجله رفاه اجتماعی

ب. عربی

- ابن ابی الحدید (۱۳۷۸) شرح نهج البلاغه، ترجمه ی محمد ابولفضل ابراهیم، دارالاحیاء الکتب عربیه
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷) الکافی، ناشر دار الکتب الاسلامیه
- ابومنصور ثعالبی (۱۰۳۸) تاریخ ثعالبی، ناشر نقره، چاپ اول
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰) کنزالفوائد، مصحح عبدالله نعمه، دارالذخا
- شیخ صدوق (۱۴۰۴) من لا یحضره الفقیه، ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین، چاپ دوم
- علی بن محمد (۱۳۷۶) عیون الحکم و المواعظ، ناشر مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، نوبت چاپ اول